

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

قاسم باز

۲۸ می ۲۰۱۸

جناب م داود سلام ملکیار، دروغ وایه په شرعه روغ وایه !

افسوس می کنم که امروز یک مفتری مسلکی و مشهور افغان که تمام عمر شان در یاوه سرائی، هذیان گفتن و تهمت های بیجا سپری شده بازهم بنده قاسم باز را گاهی شاگرد این و آن معرفی می کند و گاهی بنده را مشوق دیگران. این مفتری و تهمت نویس عقده ئی بی مسؤولیت ، م داود سلام ملکیار از آوان نظام جمهوری داوودخان تا این دم، موضوع دارالمجانین قلعه زمان خان و کودتای محمد هاشم میوندوال سابق رئیس حزب مساوات؟ و صدراعظم بیکاره را دسیسه حزب پرچم به خصوص توطئه کی جی بی ، روسی قلم داد می کرد، ولی وقتی که کودتاچیان ۷ ثور، گروپ میوندوال این جاسوس مشهور و نوکر اجنسیهای استخباراتی خارجی را از زندان رها نمودند به خصوص زمانی که آقای ببرک کارمل رهبر حزب پرچم بعد از شش جدی قدرت را به دست گرفت وی بعضی افراد محبوس کودتای میوندوال را به پست های مهم دولتی نصب و مقامهای مهم دولتی را به آنها اعطاء فرمود . بعد از آن این جناب با وقار؟ و چنل نویس، داود ملکیار خودکشی میوندوال را به مرحوم عبدالقدیر نورستانی که وی امروز در بین ما نیست راجع ساخت، که این کار وی به ذات خود نمایندگی از... بی معلوماتی وی از قضیه خود کشی میوندوال می کند.

در اینجا در ذهن بعضی افراد سوال خطور خواهند نمود که چرا این ملکیار تقلبی در قضیه خودکشی میوندوال، وی دست مرحوم شهید عبدالقدیر نورستانی سابق قوماندان عمومی ژندارم و پولیس و بعداً وزیر داخله را دخیل می سازد؟ **علت دارد.** داود سلام ملکیار در نوشته نو مؤرخ ۲۲/۵ / ۲۰۱۸ از دخالت و دست داشتن مستقیم آن مرحوم در قضیه مرگ و یا خودکشی میوندوال پردیس مهر تأیید می گذارد. جای بسا افسوس و تأسف است که وی یعنی آقای م داود سلام ملکیار در نوشته نو خود که به تاریخ ۲۰۱۸/۲۲/۵ در ستون مقالات و وب سایت افغان – جرمن انلاین نشر گردید، این جناب عالی تا به حال نمی داند که محمد هاشم میوندوال خسربره پدرشان در زندان دهمزنگ خودکشی نموده و یا توسط کدام شخص دیگر به قتل رسیده، وقتی که یک شخص از فوت شخص دیگر خبر نباشد و نداند که وی چطور فوت نموده، چطور می تواند که انگشت انتقاد و الزام خود را بالای این و آن بگذارد، این کار به ذات خود دلالت به بی دانشی و بی حیائی فرد یا افراد معرض را میکند. **فاعتبروا یا اولی الابصار**

هموطنان عزیز ، در دوران به اصطلاح دیموکراسی، میوندوال یگانه صدراعظم بی کفایت آن دوره بود، وی در طول دوره صدارت خود تنها دو جلد کتاب آنها از نویسندگان دیگری را در مطبعه دولتی به چاپ رساند که امروز یک عده

نازدانه ها از قماش وی به آن کارش مباحات میورزند و افتخار می کنند. محمد هاشم میوندوال این صدراعظم بیکاره و سگ باز دیگر کدام دست آوردی که به خیر ملت و مردم بوده باشد نداشت به جز از جاسوسی به سازمانهای جهانی بیرونی ، هیچ افغان بادرک و با بصیرت نمی تواند یک کار خیر و نیک وی که به درد و خیر ملت و کشور خورده باشد و یا از نزد وی سر زده باشد سراغ نماید که امروز بالای آن افتخار کند.

در اینجا هیچ جای شک و شبهه نیست که میوندوال یک واعظ خوب و یک نویسنده خوب بود، چون وی از پدر ملا مشرف خود اصول صرف و نحو عربی به سیستم ملانی آموخته بود به همین خاطر لیاقت شان در واعظی و نویسندگی فوق العاده عالی بود.

خوانندگان گرامی، این شهید سردار محمد داودخان و مرحوم شهید سردار محمد نعیم خان بودند که به این ملا بچه زمینه ارتقاء را از مدیریت به ریاست و از ریاست مستقل مطبوعات به سفارت مساعد ساختند ، میوندوال از برکت این دو برادر بود که به وزارت و صدارت رسید، پس به جرأت گفته می توانیم که در دوران به اصطلاح دیموکراسی آنوقت از وی کرده افغانهای لایق دیگر مانند علامه سلجوقی، مجید زابلی، پژواک بزرگ، آقای خادم، گل پاچا الفت، بینوا و محمد گلخان مومند ووو، وجود داشتند که وظیفه صدارت عظمی را به وجه احسن از این جاسوس کرده به خوبی به پیش ببرند.

میوندوال کسی بود که در توطئه سازی و توطئه بازی جوهر نداشت وی همنشین و هم کاسه حفیظ الله امین بود. وی همراه حفیظ الله امین در یک کاسه نان می خورد، چون آنها به یک اداره بیرونی کار می کردند اهداف و مرام هر دونفر شان یعنی جاسوسی به سازمانهای خارجی و سرنگونی نظام شاهی یکسان بودند .

میوندوال در کابل در بین مردم کابل به نام صدراعظم سگ دوست و سگ باز مشهور بود. چون وی اولاد نسبی نداشت وی یک پسر خسبره خود یعنی جنرال عبدالجبار ملکیار را به طور فرزندی گرفته بود، به همین خاطر وی اکثریت وقت خود را همراه یک سگ پاپی سفید خود می گذشتاند ، به خصوص در اثناء و وقتی که وی در شهر کابل در کوچه و بازار در موتر فولکس زرد رنگ خود به دریوری مصروف می بود سگ سفید پاپی اش در بغلش می بود ، هیچ کس نماز و روزه وی را ندیده احیاناً اگر کدام وقت وی در مسجد دیده شده آن هم در روزهای عید در ارگ سلطنتی بوده ، من مطمئنم که آن نماز خواندن وی هم عقیدتی نی بلکه تکتیکی بود.

جای تأسف در اینجا است، که امروز یکی از پسران خسبره وی آقای محمد داود سلام ملکیار در نوشته نو خود تحت عنوان (چگونگی وقایع و سخنی چند با آقایان کاظم و سیستانی قسمت اول) که دیروز به تاریخ ۲۰۱۸ / ۲۲ / ۵ در ستون مقالات وبسایت افغان - جرمن انلاین نشر گردید وی تا این لحظه هم نمی دانند که آیا میوندوال توسط کدام شخص کشته شده و یا خودکشی کرده، این را گویند شخص با دانش، خارق العاده و جامع الکمالات.

در دوران محبوسیت میوندوال به اتهام و دست داشتن وی در کودتا مسما به هاشم میوندوال ، شهید سردار محمد داودخان دوبار غوث الدین فایق وزیر فواید عامه را غرض پرسیان و احوال گیری و رویه هیأت تحقیق از میوندوال را نزد میوندوال به وزارت داخله فرستاد، وقتی که غوث الدین فایق از زبان و گفته شخص میوندوال از رویه خوب هیأت تحقیق درباره خود اظهار خوشی نموده دیگر جای به گفته های بی لزوم این و آن باقی نمی ماند. مراجعه شود به کتاب غوث الدین فایق (رازی را که نمی خواستم افشاء کنم افشاء کردم)

جناب داود سلام ملکیار در یکی از نوشته های خود لست اشیائی که جناب میوندوال در روز چهارم تحقیق خود به قلم خود از فامیل خود خواسته بود و آن اشیای مورد ضرورت از طرف فامیل وی تهیه شده عبارت بود از ادویه ویتامین، یک کتاب گاندی، لباس، لیمو و... آن اشیاء بعداً از طرف اداره محبس به اخذ امضای میوندوال به وی داده شده است.

خوانندگان محترم، شما خود قضاوت نمائید شخصی که هر روز لت و کوب شود و در حالت کوما باشد وی چطور می تواند کتاب و یا ناول مهاتما گاندی را بخواند، به نامه محمد هاشم میوندوال که از زندان دهمزنگ به فامیلش نوشته شده و اشیای مورد ضرورت شان بعد از امضای میوندوال به وی از طرف موظفین محبس داده شده، توجه شما عزیزان و سروران را به آن نامه جلب می دارم لطفاً لینک ذیل را کلیک نمایید تا نامه شخص میوندوال که به قلم خودش تحریر یافته ملاحظه نمائید.

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/malikiyar_d_radi_etehamat_wa_sharhi_6.pdf

اقای داود سلام ملکیار.

من در این چند روز دوبار به شما چی در دریچه نظرسنجی و چی در مقاله خود تحت عنوان **(به جواب یک مفتری بزرگ آقای داود سلام ملکیار)** که به تاریخ ۲۰۱۸/۰۵/۱۵ در پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" و به تاریخ ۲۰۱۸ / ۱۸ / ۵ در وبسایت افغان - جرمن آنلاین اقبال نشر یافت متذکر گردیدم که عدم نشر کست دوم به خاطر الزامیت قوی پدر شما جنرال عبدالسلام ملکیار و کاکای شما جنرال عبدالجبار ملکیار بود.

داودخان به خاطر این که فردا نزد مردم این سؤال خلق نشود که وی چرا عوض محرکین اصلی کودتای میوندوال افراد رده های دوم و سوم را مجازات نمود چنانچه امروز شما آقای م داود سلام ملکیار از آن یادآوری نمودید و چنین فرمودید، که چرا داودخان محرکین اصلی که خسربره های میوندوال بودند به سه و پنج سال حبس محکوم می کند و دیگران را به ده و پانزده سال و اعدام.

گپ و سخن اصلی هم در همینجا است که مرحوم محمد داودخان گل روی عروس خود که دختر ناسکه کاکا زاده های شما بود و فامیل شما یعنی مادر تان، خوهران تان و خانم کاکای تان در منزل گلالی عروس داودخان بستر انداخته بودند مرحوم داودخان هم به همین خاطر که اگر هر کس دیگر هم می بود روی عروس خود را در نظر می گرفت، همچنان یادآوری چند بار عبدالله خان ملکیار که به شهید داودخان حیثیت برادر را داشت یعنی پدر گلالی، و کاکای سکه دیگر گلالی به نام عمرجان ملکیار که وی را مرحوم محمد داودخان مثل پسر کلان خود عمر داود دوست داشت در نظر گرفت، شخص جناب عمر ملکیار چندین سال در رادیو صدای امریکا کار می کرد و فعلاً باشنده ایالت ویرجینیای امریکا می باشد، آیا فراموش کردی که در روز اول گرفتاری میوندوال، پدر و کاکایت، این عمرجان ملکیار بود که همراه شما منزل به منزل، دفتر به دفتر می گشت، این جریان را شخص آقای عمر ملکیار سال گذشته برایم قصه کرد. این شما نبودید که از وی خواهش نمودید که من می خواهم همراه **قاسم باز** صحبت کنم، وقتی که آقای عمرجان ملکیار برایم زنگ زد و پیغام شما را برایم رساند من به جناب عمرجان ملکیار گفتم که من نمی خواهم همراه این فرد بی مسؤولیت صحبت کنم. چرا که می ترسیدم که نشود شما فردا از صحبت تیلیفونی ما کدام گپ دیگر را بسازید، یعنی تهمت جور کند، الهی شکر که همراه شما صحبت نکردم.

جناب عالیقدر؟ داود سلام ملکیار، من مثل شما یک فرد بی مسؤولیت نیستم که بعضی صحبت های دوستانه دوستان سابق خود را یک روز به خاطر یک شکر رنجی عادی به رخ مردم بکشم، اگر من مثل خودت اینگونه اخلاق می داشتم امروز صحبت های بسیاری از سلطنت طلبان را درباره خودت، ملال موسی نظام، مایار صاحب و غیره و غیره را به رخ آنها می کشیدم. این شما هستید که صحبت دوستانه دوستان تان مانند جناب محمد داود مومند، خلیل الله هاشمیان را

به چی بی شرمی افشاء می کنید، این کار تان خلاف تمام موازین افغانی و اسلامی است. در این مورد ضرب المثلی داریم که می گوید (راز مردها پوشیده است) ای افغان نامرد ، من مثل شما نیستم که بگویم فلانی و فلانی برایم چنین گفت، امروز اکثر خوانندگان این وب سایت روی سیاه و چهره زیبای؟ شما را شناخته، کوشش کن عوض این که بگوئید که احمد چنان گفت و محمود چنین ، بهتر است مستند با اسناد دست داشته خود صحبت کن نه نقل قول دروغین این و آن، من هم می توانم دو هزار تهمت از گفته آن و این برایت ذکر کنم ولی ابدأ این کار را به خاطر اسلامیت، افغانیت، شرافت و وقار خود نمی کنم.

جناب داود آغا؟ من دو بار به شما نوشتم و باز هم می نویسم که در مورد فامیل شما یعنی پدر و کاکای شما و دیگر محبوسین آن کودتا واقعاً مرحوم محمد داودخان عدالت واقعی را مراعت نکرد، وی باید در قدم اول محرکین اصلی کودتای میوندوال یعنی پدر شما جنرال عبدالسلام ملکیار و کاکای شما جنرال عبدالجبار ملکیار را به عوض مرستیال خان محمد خان و بگروال ماما زرغون شاه خان، / این دو برادران که خسربره های محمد هاشم میوندوال و محرکین اصلی کودتا بودند اعدام می کردند ، که نکردند. بلی آغای ملکیار من هم این را می گویم، به خدا و قرآن قسم می خورم که در این مورد مرحوم محمد داودخان مرتکب گناه و یک اشتباه عظیم شده، شده و باز هم شده ، و آن اشتباه وی هم به خاطر گل روی عروس شان ، پسر شان عمر داود ، جناب عبدالله خان ملکیار و عمرجان ملکیار بود.

۱ - آقای داود سلام ملکیار. در هر دین و انین در هر کلتور و کلچر به دروغگویان خطاب تو لعنت شده، من به شما تو لعنت نمی گویم به خاطری که هیچ جایی را نمی گیرد ، چون یکبار نیست دو بار نیست سه بار نیست که شما دروغ می گوئید اصلاً دروغ گفتن به شما مانند یک شغل، وظیفه و حرفه روز مره تبدیل شده، من در کجا گفتم که مرحوم شهید سردار محمد داود خان کست دوم اعترافات شاملین کودتای میوندوال را در اخیر دوران ریاست جمهوری خود به برادرم داده، او مفتخری بینظیر او عوامفریب حرفه نی او ملکیار مصنوعی و تقلبی، چرا همراه لباس خود در چشم مردم می درآئید، اگر از من قاسم باز، پاچا گل وفادار ، عمر ملکیار و گلالی عمر داود ملکیار نمی شرمی و حیاء نمی کنی از خدای خود و از خوانندگان این وب سایت کمکی شرم و حیاء کن، روی خدا را ببین، من در باره کست دوم اعترافات در سال ۲۰۱۶ دو بار در دریچه نظر سنجی افغان – جرمن آنلاین به شما و یکبار در مقاله ای که به تاریخ ۲۰۱۶/۱۰/۸ در ستون مقالات نشر گردیده یادآوری نمودم، این که شما می فرمائید که آن کست نظر به گفته قاسم باز در روزهای اخیر نظام جمهوریت مرحوم محمد داود به برادر قاسم باز داده شده این یک تهمت آشکار است که شما آن را از دل تنگ و فکر پریشان خود به من مرتبط ساختید، خدا را شکر گذارم که آن مقاله من در ستون مقالات تا به حال پا برجا است. و طنزدار گل دروغ هم حد ، حدود و اندازه دارد.

۲ - توجه کنید به دروغ ، بهتان و تهمت دیگر تان، من به تاریخ ۲۰۱۸/۱۵/۵ - در مقاله خود تحت عنوان « به جواب یک مفتخری بزرگ آقای داود سلام ملکیار » نوشتم که (برادرزاده میوندوال به نام انجینیر فضل باقی) که وی در زمان جمهوریت در سالهای اول در مربوطات وزارت فواید عامه آنوقت کار می کرد ذکر نموده بودم نه برادر میوندوال. از نگاه شریعت اسلامی انجینیر فضل باقی برادرزاده میوندوال وارث پدر خود بود یعنی در شریعت اسلامی اول حق برادر است که یک حصه را می گیرد ، خواهر حق نیم برادر را دارد و خانم حصه هشتم را می گیرد ، به اساس شریعت اسلام جناب باقی حق پدر خود را که پدرش برادر میوندوال بود مستحق و وراثت اصلی محسوب می شود ، شما و خانم میوندوال به وی یک حبه و دینار و یا یک تنگه ندادید و شخص شما داود ملکیار و عمه تان پول آن منازل را در بین خود تقسیم نمودید و نوش جان کردید ، شما حالا از برکت آن پول در ایالت کلفورنیا امریکا صاحب بزنس شدید.

خوانندگان محترم. این ک مقاله من تحت عنوان (صحبتی به جناب محترم آقای داود سلام ملکیار) که به تاریخ ۲۰۱۶ / ۸ / ۱۰ در ستون مقالات افغان - جرمن آنلاین اقبال نشر یافته چنین نگاشته بودم.

دروغ گفتن جناب ملکیار به یک مثل مشهور افغانی می ماند که میگوید (من چی می گویم و دمبوره من چی می گوید) من در مقاله خود در باره کست دوم چی نوشتم و آقای داود سلام ملکیار بر این چی می نویسند.

خوانندگان گرامی، من در آنوقت در یک بخش از مقاله خود به جناب م داود سلام ملکیار چنین نگاشته بودم..... شما به سلسله دروغهای متواتری که در این بیست سال در مطبوعات بیرون مرزی و در این چند سال در وب سایت افغان - جرمن آنلاین می نویسید، باز هم در این چند روز به دروغگوئیهای شاخدار شروع نمودید، جناب عالی؟ داود سلام ملکیار، من در کجا و در کدام نوشته خود، چی در ستون مقالات و چی در دریچه نظر سنجی افغان جرمن آنلاین نوشته ام که شهید سردار محمد داودخان این کست اعترافات پدر بزرگوار تان سلام خان ملکیار و کاکای محترم شما را با دو جنرال دیگر، در اخیر دوره جمهوریت به برادرم داده؟ آقای داود سلام ملکیار، روی خدا را ببین اینقدر دیده در انباش، تمام نوشته های من در افغان جرمن آنلاین موجود است، اگر خودت این ادعای دروغینت را به اثبات رساندی من ملامت، من برایت نوشتم که این کست دوم اعترافات پدر محترم شما که در آن به خان محمد خان مرستیال در این کست از طرف پدر شما بسیار زیاد توهین شده نردم موجود است، نشر این کست به غیر از شرمساری به شما و همچنان به فامیل های همکاران کودتای شما دیگر کدام چیزی که به رفع مسؤولیت گروپ کودتای شما و آقای میوندوال بینجامد دیده نمی شود، به غیر توهین به یکی دیگر اعضای کودتای.

آقای داود سلام ملکیار، من به شما در نوشته های سابق نوشتم که یک روز پیش از نشر کست اول اعترافات متهمین کودتای محمد هاشم میوندوال، محمد داودخان شهید به خاطر بعضی ملحوظات فامیلی که شخص سردار محمد داودخان مانع نشر آن شد وی آن کست را در آن لحظه پیش از نشرش در رادیو افغانستان به برادرم داده بود. نردم مثل کست دیگر اعترافات موجود است، می خواهم تا یک اندازه شما و طرفداران شما را زیادتیر تشویق کنم که زیادتیر درفشانی کنید، تا در اخیر معلوم شود که کی بحق است.

آقای سلام ملکیار،

محمد داودخان چندین قطعه مکتوب خطی که از طرف شاه سابق به وی (محمد داودخان) به آدرس برادرم می رسید نزد برادرم بود که از آنجمله دو قطعه مکتوب شاه سابق در روک میز برادرم در دفتر کارش در ریاست جمهوری مانده بود که آن دو قطعه مکتوب شاه به دست حکومت ۷ ثوری خلقی افتاد، که از آن دو قطعه مکتوب شاه سابق فکر می کنم یک مکتوب شاه سابق را حکومت خلقی آنوقت در کدام اخبار نشر کرده بود. بعد از نشر آن مکتوب دولت به خطای خود متوجه شد و آنها بزودی آن اخبار را مصادره کردند. شاید یک عده بزرگانی که در آنوقت در مسایل مطبوعاتی کشور سروکار داشتند باخبر باشد، به هر صورت.

جناب کمالات! نمی دانم شما و یا کدام عضو دیگر فامیل شما به نمایندگی فامیل میوندوال وکالت خط ترتیب داده بودید، تا منزل میوندوال که در شهرنو موقعیت داشت بالای برادر زاده ام به اسم حاجی خان محمد صراف بفروشید، وقتی که وی دانست که این منزل از محمد هاشم میوندوال است از خریدن آن منزل که نسبت به نرخ امروز بسیار ناچیز بود ابا و ورزید، وی به شما و یا کدام عضو دیگر فامیل شما دوست دیگر خود را معرفی کرد و شما آن خانه را در مقابل پول نقد به یکی از صرافان سرای شهزاده کابل به فروش رسانیدید. آن منزل فعلاً در تصرف آن صراف قرار دارد، صراف فعلاً آن منزل را به کدام دفتر خارجی به کرایه خوب و بلند داده. این که شما می گوئید که آن منزل را میوندوال به وزارت معارف به اساس مکتوب شخصی داده و این موضوع در آن وقت در اخبار مساوات و دیگر جراید

به نشر رسیده. آقای مفتری بزرگ، بعد از صدارت میوندوال آقای نور احمد اعتمادی، داکتر عبدالظاهر و محمد موسی شفیق صدراعظم بودند فکر نکنم که آنها به خاطر ضدیت به میوندوال این کار خیر؟؟ میوندوال را کتمان کرده باشند، دروغ گفتن هم حد و اندازه دارد، شما دروغهای ۴ بای ۴ می گوید.

آقای سلام ملکیار، در سال ۲۰۰۲ من از نام وب سایت افغان جرمن آنلاین خبری نداشتم و در آنوقت از اهداف و اعضای نویسندگان آن هیچ نمی دانستم که کیهانند، این قصه را برادرزاده ام در منزل مایان در سال ۲۰۰۲ در پیشاور پاکستان که من و جناب آقای انجنیر احسان الله مایار به حیث اعضای افتخاری اولین لویه جرگه زمان حامد کرزی به کابل دعوت شده بودیم این قصه را برادرزاده ام به خاطر ارزانی منازل در وقت طالبان در کابل با حضور داشت جناب مایار صاحب و آقای فریدون ناشر که همان روز آنها مهمانان برادرزاده ام در منزل مایان بود گفت. شما تاریخ فروش آن خانه را وقت برآمدن فامیل میوندوال تذکر دادید که این ادعای شما مانند ادعاهای دیگر شما به جز از یک دروغ شاخدار دیگر چیزی بیش نیست. فکر می کنم میوندوال در کابل جایداد زیاد داشت.

۳- توجه نمائید به دروغ دیگران که می گوئید: اپارتمانهای سر سرک کارته پروان مکاتب دخترانه شده، من در طول چند سال که در کابل بودم و یا گاهی اوقات که به کابل میروم هیچ مکتب را در آپارتمانهای سر سرک کارته پروان ندیده ام، من از سال ۲۰۰۶ تا اخیر سال ۲۰۰۸ تقریباً سه سال متواتر در کابل بودم و در هر هفته یک یا دو بار به سرک عمومی کارته پروان و خیر خانه مینه گشت و گذر می کردم اینطور چیزیکه شما مدعی آن هستید من ندیدم. من بعد از سال ۲۰۰۹ هر یک دو سال بعد به کابل میروم من کدام مکتب آنهم بالای سر سرک کارته پروان در آپارتمانهای رهاپشی ندیده ام، مردم قندهار یک مثل دارند که میگویند: **خویه دروغ وایه په شرعه ئی روغ وایه.....** یار زنده صحبت باقی

۵ / ۲۴ / ۲۰۱۸